**٩٣ - تکدّی و نیز اعطاء تکدّی حرام است [[1]](#footnote-1)**

و نیز در کتاب اقدس قوله جلّ و عزّ :

لا یحلُّ السّؤال و مَن سألَ حُرمَ علیهِ العطاءُ . قد کُتِبَ علَی الکلِّ اَنْ یکسِبَ و الّذی عجزَ فِللوُ کلاءِ و الاغنیاءِ اَنْ یُعیّنوا له ما یکفیه اِعملوا حدودَ اللّه و سُنَنِه ثمَّ احفظوُها کما تحفظُونَ اعینَکم و لا تکوُننَّ مِنَ الخاسرینَ .

و از حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا فضل‌اللّه نراقی در طهران است قوله العزیز : و اما آیۀ مبارکۀ حُرِّمَ علیکُم السّؤال و من سأَلَ حرمَ علیه العطاءُ مقصود این است که تکدّی حرام است و بر گدایان که تکدّی را صنعت خویش قرار داده‌اند انفاق نیز حرام است مقصود این است که ریشۀ گدائی کنده شود و امّا اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره نتواند اغنیاء یا وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معیّن کنند تا با او گذران کند چون بیت عدل تشکیل شود دار عجزه تأسیس گردد لهذا کسی محتاج به سؤال نماند چنانچه متمّم آیه دلالت میفرماید و یجب علی الکلّ ان یکسب بعد میفرماید و الّذی عجز فللوکلاء و الاغنیاء ان یعیّنوا ما یکفیه مقصود از وکلاء ملت است که اعضاء بیت عدل باشد .

1. در قرآن کریم است قوله تعالی لا یَسألون النّاسَ الحافاً . در حدیث است : ان اللّه یبغض السّائل الملحف و من سأل وله اربعون درهماً فقد سأل النّاس اِلحافاً . و در دعا است اللهمّ انّی اسألک العفاف و الغناء و فی الحدیث : احثّوا فی وجوه المدّاحین التراب ... اراد بالمدّاحین الّذین اتّخذوا مدح الناس عادةً و جعلوا بضاعةً لیستأکلوا به الممدوح . ( مجمع البحرین ) روی زیدبن اسلم عن عطاء بن یسارانّ النّبی ص ارسل الی عمر بعطاء فرّده فقال له النّبی ص لم رددته فقال یا رسول اللّه الیس قد اخبرتنا انّ لا خیر لاحدٍ منّا اَنْ یأخذ من احدٍ شیئاً قال انّما ذلک عن مسألةٍ و امّا اذ کان من غیر مسألةٍ فانّما هو رزق رزقه اللّه ایاه . و قال ابو هریرة انّی لا اسأل احداً شیئاً و لا اعطانی احدٌ شیئاً بغیر مسألةٍ الّا قبلتُ منه . و روی عن عایشه رضی اللّه عنها انّ امرأةً اهدت الیها هدیةً فلم تقبل هدیتها فقال لها رسول اللّه هلا قبلت هدیتها قالت لانّی علمتُ انّها احوج الیها منّی فقال هلا قبلتها و کافئتها باحسن منها . ( کتاب بستان العارفین ) [↑](#footnote-ref-1)